

در دست انتشار و غیر قابل انتشار

مقاله پژوهشی: تاثیر توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد به بخش خصوصی بر امنیت حقوقی

عباس الواری، بهروز جوانمرد، مهدی فضلی، حمیدرضا آدابی^۴

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

جرایم مرتبط با فساد همواره در دستگاه های قضایی و حقوقی مورد بحث و بررسی بوده و این مسئله امنیت حقوقی کشور را به مخاطره می اندازد. بر این اساس هدف اصلی در این تحقیق بررسی توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد به بخش خصوصی با رویکردی تطبیقی و تاثیر آن بر امنیت حقوقی می باشد. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه ای گردآوری شده و با مقوله بندی اطلاعات نسبت به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شده است. در نتیجه تحقیق میتوان گفت جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی یکی از مهمترین مسائل مغفول مانده در نظام حقوقی کشور می باشد که بشدت میتواند امنیت حقوقی کشور را با مخاطره روبه رو سازد. بر این اساس میتوان گفت که نبود قوانین و مقررات مرتبط با فساد در بخش خصوصی بویژه در برخی از جرایم مهم و اساسی مانند رشوه، ارتشاء و اختلاس و عدم جرم انگاری آن بر کاهش امنیت حقوقی کشور تاثیرگذار است و لازمه این مسئله توسعه قوانین و مقررات کلیه جرایم در بخش عمومی و دولتی به بخش خصوصی است تا امنیت پایدار حقوقی در کشور فراهم گردد.

کلیدواژه ها: امنیت حقوقی - فساد - بخش خصوصی

^۱ گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه حقوق، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، صفادشت، ایران. (نویسنده مسئول)،

abas.alvari1400@gmail.com

^۳ گروه حقوق، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران.

^۴ گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله:

امنیت انسانی یکی از مهمترین حقوق بنیادین است که شاید بتوان گفت مبنای سایر این حقوق به شمار می رود. یکی از مهمترین اشکال آن امنیت حقوقی است. امروزه اصل امنیت حقوقی به گونه ای گسترده در علم حقوق و نیز بحث های سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. بر عکس، شناخت نسبت بدان در متون قانونی و رویه قضایی بسیار محدود است. باید توجه داشت که اصل امنیت حقوقی جایگاهی برجسته در نظام های حقوقی دارا بوده و رکن اساسی دولت حقوقی می باشد. به عبارت دیگر، یکی از الزام های دولتی که در چارچوب حقوق محصور باشد (دولت حقوقی)، آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف قانونی خویش است. در نتیجه، مانند دیگر عناصر متشکله دولت حقوقی، این اصل نیز در قوانین اساسی تضمین شده است. نکته مهم دیگری که در این اصل باید مورد توجه قرار گیرد، نقش زمینه سازی آن برای سایر عناصر دولت حقوقی مانند امنیت قضایی و حمایت از حق ها و آزادی های شهروندان است.

امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام های حقوقی مورد استناد قرار می گیرد. ریشه ی این اصل به ویژگی هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق ها و آزادی های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی بازمی گردد. (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶)

از جمله مسائلی که منجر به خدشه دار شدن و ضعف در امنیت حقوقی می گردد فساد در اشکال مختلف آن می باشد. عطریان (۱۳۹۶) در بررسی عوامل موثر بر امنیت حقوقی به جرایم مرتبط با فساد مالی و عدم جلوگیری از آنها و ضعف در قوانین برای مبارزه با این جرایم اشاره می کند. فساد مالی از جمله معضلاتی است که از قدیم الایام در سطوح مختلف و با درجات متفاوت در اغلب کشورها وجود داشته است. انجمن بین المللی حقوق کیفری در سال ۲۰۰۴ فساد مالی را سوءاستفاده از اختیارات در تبادل یک امتیاز» تعریف کرده است. فساد و تعریف آن تابعی از هنجارهای مورد قبول در هر جامعه و فرهنگ می شود، لذا از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. فساد هر چند ممکن است جنبه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی داشته باشد، اما در جنبه اقتصادی، نتایج محسوس تری به دنبال داشته و ارتباط جدایی ناپذیری با جرایم اقتصادی دارد که می تواند پایه های اقتصادی یک دولت را سست و حاکمیت یک کشور را با چالش جدی مواجه نماید. از همین روست که در مقدمه کنوانسیون مبارزه با فساد، فساد تهدیدی علیه ثبات سیاسی و توسعه پایدار معرفی شده است (تانزی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). همچنین فساد و مبارزه با آن با توجه به نقش آن در امنیت حقوقی امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان یک مسئله اساسی در بخش خصوصی و عمومی مورد نظر است. از سوی دیگر آنچه به عنوان دغدغه محقق مطرح است این می باشد که با توجه به پررنگ تر شدن نقش بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی، خدماتی و غیره کشور، بستر بروز فساد در بخش خصوصی مهیا گشته است. از این رو توجه بیشتر به پیشگیری و مبارزه با فساد در بخش خصوصی بیش از

گذشته اقتضا دارد در حالی که قلمرو جرایم مرتبط با فساد در نظام حقوقی ایران مرتبط با بخش عمومی بوده و به بخش خصوصی توجه نشده است و این میتواند منجر به ایجاد مخاطره برای امنیت حقوقی کشور باشد.

از جمله جرایم بخش خصوصی در جنبه های اقتصادی می توان به جرایم مالیاتی اشاره کرد که دولت ها معمولاً با این جرم فرار مالیاتی شرکت ها و بخش خصوصی درگیر هستند. از دیگر جرایم بخش خصوصی در جنبه های اقتصادی میتوان به جرایم زیست محیطی اشاره کرد که به سوء استفاده از محیط طبیعی و مابعد آن برای درآمد زایی و تخریب جنگل ها و مراتع و آسیب به محیط زیست اشاره کرد. همچنین جرایمی مانند عدم رعایت مراتب قانونی در استخدام، عدم پرداخت بیمه و حقوق کامل کارکنان، عدم رعایت شرایط حقوق بین المللی کار و درآمد زایی و ... از جمله جرایم بخش خصوصی در جنبه های اقتصادی هستند.

با عنایت به موارد یاد شده و اهمیت شناخت عوامل تاثیرگذار بر امنیت حقوقی کشور، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد به بخش خصوصی و تاثیر آن بر امنیت حقوقی است. با این توضیح که نگاهی به اسناد بین المللی و قوانین برخی از کشورهای اروپایی نشان می دهد که سیاست جنایی تعریف شده ای برای مبارزه با فساد در بخش خصوصی در اسناد بین المللی بویژه در کنوانسیون مبارزه با فساد تدوین شده و در قوانین جزایی بسیاری از کشورهای اروپایی برای کنترل و مبارزه با فساد در این بخش، جرایم متعددی پیش بینی شده است، اما در قوانین داخلی ایران نه سیاست جنایی منسجمی برای مبارزه با فساد در بخش دولتی و خصوصی وجود دارد و نه در مبارزه با فساد در بخش خصوصی توانسته به جرم انگاری جرایم مرتبط اقدام نماید و این مخاطرات زیادی را برای تأمین امنیت حقوقی فراهم می کند. مسئله مهم دیگری که در ارتباط با توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی نیاز به بررسی دارد مطالعه سیاست جنایی تقنینی در جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد در بخش خصوصی و نقش آن در تأمین امنیت حقوقی است. با بررسی های اولیه مشخص شد که نظام حقوقی ایران فاقد سیاست جنایی منسجم و یکپارچه در مبارزه با فساد حتی در بخش دولتی می باشد، بدیهی است که در خصوص بخش خصوصی که نوظهور می باشد این وضعیت به مراتب سردرگم کننده تر باشد. نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر بزهکاری و مهار پدیده های مجرمانه آن جامعه می باشد.

مسئله مهمی که در این خصوص مطرح بوده و هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به آن می باشد این است که اساساً چه ضرورتی برای توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی وجود دارد و چگونه می توان اقدام به توسعه حقوق کیفری برای مبارزه با فساد در بخش خصوصی کرد؟ و چه تاثیری بر امنیت حقوقی دارد.

۱. مبانی نظری

امنیت حقوقی

اصل امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام های حقوقی مورد استناد قرار می گیرد. ریشه ی این اصل

به ویژگی‌هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی بازمی‌گردد (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶). سرشت دوگانه‌ی عینی و شخصی امنیت حقوقی دربرگیرنده‌ی قواعدی است که به مثابه معیارهایی جهت حمایت از حقوق عینی مطروحه در قوانین هستند، و از سوی دیگر، در برگیرنده‌ی قواعدی نیز می‌باشد که متضمن معیارهایی به منظور تضمین حق‌های شخصی شهروندان است. بنابراین، در یک تحلیل کلی، این اصل می‌تواند هم زمان منبع حقوق عینی و حقوق شخصی باشد (فرمنت^۴، ۲۰۱۸: ۱۷۸).

اصل امنیت حقوقی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نظر به اهمیت آن به گونه‌ای صریح در قوانین اساسی مطرح شده است و در قالب هنجار قانون اساسی بدان عمل می‌شود. در این رابطه، بند ۳ ماده ۹ قانون اساسی اسپانیا به صراحت اصل امنیت حقوقی را ذکر و تضمین نموده است. در مقابل، بیشتر قوانین اساسی به این اصل اشاره‌ای صریح ندارند. قوانین اساسی پرتغال، ایالات متحده آمریکا و فرانسه مثال‌های جالب توجهی در این زمینه به شمار می‌روند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معدود قوانین اساسی می‌باشد که اصل امنیت حقوقی به صراحت در آن تضمین شده است. بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تأمین حقوق همه جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند. در گستره‌ی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی گسترده تضمین نموده است. این اصل حوزه‌های گوناگونی زمینه‌ی برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را در برمی‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یکدیگر از سوی قوه مؤسس تضمین شده‌اند. بدین ترتیب، در اصل ۲۲ مصادیق گوناگون امنیت در قالب زیر مجموعه‌های امنیت انسانی گرد هم آمده‌اند. با توجه به قلمروی گسترده‌ی امنیت انسانی، در چارچوب اصل ۲۲ حوزه‌های ذیل را می‌توان برشمرد:

الف. امنیت شخصی: این امنیت از دو بعد قابل بررسی است: امنیت مادی و معنوی شهروندان. در نوع نخست، این قلمرو مفهوم مضیقی از امنیت انسانی است که تنها حفظ جان و مال او را در بر می‌گیرد. دو واژه‌ی «جان» و «مال» مذکور در اصل ۲۲ در این قلمرو تضمین می‌شوند. بنابراین در تفسیری موسع تمامیت جسمانی شهروندان یا اموال آنان در مقابل هر آنچه که این موارد را در مخاطره افکند تضمین می‌شود. در نوع دوم از امنیت شخصی، مفهوم این نوع امنیت اندکی تعمیم داده شده است و امنیت معنوی یا روانی شهروندان را نیز پوشش داده است. واژه «حیثیت» در اصل ۲۲ بر تضمین این جنبه از امنیت شخصی دلالت می‌کند. در قوانین اساسی مدرن، این تعمیم اصل ۲۲ در نوع خویش گامی بسیار مهم قلمداد می‌شود.

ب. حریم خصوصی: اگر تضمین حریم خصوصی را بخشی از امنیت شخصی تلقی نکنیم، به نظر می‌رسد، در کنار امنیت شخصی دومین بخش از زندگی شهروندان است که توسط اصل ۲۲ مورد حمایت قرار گرفته است. در اصل ۲۲، واژه‌ی «مسکن» بر تضمین این جنبه‌ی مهم از حق‌های شهروندی دلالت می‌کند.

پ. امنیت حقوقی: دقت در ادبیات اصل ۲۲ نشانگر آن است که امنیت حقوقی و امنیت انسانی با یکدیگر تفاوت دارند و در واقع امنیت حقوقی بخشی از امنیت انسانی در مفهوم موسع قلمداد می‌شود. تامل در مفاد اصل مذکور نیز صحت این تفسیر را

^۴Fromont

می‌نمایند: واژه‌ی « حقوق » در این اصل بیانگر آن است که حق‌های شهروندان از تعرض مصون هستند و این دقیقاً همان غایت امنیت حقوقی است. در این عرصه، حق‌های مکتسبه افراد در کنار اصولی که متضمن حفظ وضعیت حقوقی شهروندان هستند مانند اصل عطف بمسابق نشدن قوانین، اصل شفافیت قوانین زیرمجموعه‌های امنیت حقوقی را تشکیل می‌دهند.

ت. امنیت قضایی: گرچه امنیت قضایی شهروندان در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت تضمین شده است اما به نظر می‌رسد که با تفسیر موسع واژه‌ی « حقوق » در اصل ۲۲ مبنای مکمل دقیق‌تری را نیز می‌توان برای آن یافت. از این روی، تفسیر موسع امکان استنتاج حق‌های گوناگون شهروندان را در فرآیند دادرسی در قالب امنیت قضایی فراهم می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد، اصل ۲۲ قالب بسیار وسیعی را با عنوان « امنیت انسانی » ارائه نموده است که در نظمی منطقی در اصول بعدی جنبه‌های گوناگون آن مقرر می‌شوند و بر اساس آن می‌توان شمای زیر را از رابطه‌ی امنیت حقوقی و امنیت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دست داد (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

گستره‌ی اعمال اصل امنیت حقوقی

در این مقوله، از سویی افرادی قرار دارند که می‌توانند به این اصل و اصول مربوط بدان، به منظور حفظ حق‌های خویش، استناد نمایند. از سوی دیگر نیز، نهادهای عمومی قرار دارند که در اعمال صلاحیت‌های خویش (قانون‌گذاری یا اعمال اجرایی) باید این اصل را مد نظر قرار دهند.

بهره‌مندان از اصل و نهادهای ملزم به رعایت آن - مسئله‌ی بهره‌مندان از اصل امنیت حقوقی، در وهله‌ی نخست، به ارزیابی این اصل باز می‌گردد. اگر امنیت حقوقی به عنوان یک حق شهروندی شخصیت‌لقی گردد، افراد می‌توانند نه تنها در مقابل حکومت، که در مقابل افراد دیگر نیز بدان استناد نمایند. در مقابل اگر امنیت حقوقی به عنوان اصل راهنما تلقی شود، افراد نمی‌توانند در حیطه‌ی اختلاف‌های خویش بدان استناد نمایند. اما در این فرض، اصل امنیت حقوقی در چارچوب اختلاف‌های عینی (اختلاف‌هایی که افراد در دو سوی آن قرار ندارند و در واقع شخصی نیستند) و به ویژه در چارچوب صیانت از قانون اساسی بسیار راه‌گشا است (متیوئی، ۲۰۱۷: ۱۷۵). به نظر می‌رسد که هر دو جنبه‌ی مورد بحث، در راستای افزایش بازدهی این اصل، واجد اهمیت فراوانی باشند و باید بین اصول فرعی ناشی از این اصل تفکیک قائل شد. برخی از این جنبه‌ها، مانند عطف بمسابق نشدن قوانین، بی‌تردید اصل کلی حقوقی قلمداد می‌شوند و باید توسط مرجع صیانت از قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته و تضمین شوند. برخی نیز، مانند اصل ثبات روابط قراردادی و تضمین حق‌های مکتسبه، توسط اشخاص در روابط حقوقی بین شهروندان قابلیت استناد دارند. در سوی دیگر نهادهایی وجود دارند که ملزم هستند اصل امنیت حقوقی را رعایت نمایند. مانند آنچه در مورد بهره‌مندان از این اصل مورد بحث قرار دادیم، اگر این اصل را اصلی عینی یا غیر شخصی تلقی نماییم، طبیعی است که قانون‌گذار و نهادهای مجری قانون باید این اصل را رعایت نمایند. با این وجود، می‌توان اشخاص حقوق خصوصی را نیز مشمول این اصل دانست.

تعریف فساد

ریشه واژه فساد در لاتین «رومپر»^۶ به معنای «شکستن» است. ریشه لغت «کارپشن»^۷ از فعل لاتین «کرپوس»^۸ به معنای «شکستن چیزی» آمده است. فساد در اصطلاح؛ بیرون رفتن از حد اعتدال است که با سوء استفاده از امکانات و منابع عمومی در جهت کسب منافع شخصی تبلور می‌یابد. فساد از لحاظ حقوقی، رفتار منحرف شده از ضوابط و وظایف رسمی یک نقش عمومی است که بنا به ملاحظات خصوصی یا ملاحظات قومی و منطقه‌ای (هیود، ۲۰۰۲: ۴۷۵) رخ می‌دهد و معمولاً برای موضوعاتی نظیر حکومت‌های فاسد و فقیر (رزاکرمن، ۲۰۰۳: ۱) و اعمالی که از دستگاه‌های فعال آنها سر می‌زند، به کار می‌رود.

بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می‌دانند. این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است. طبق تعریف دیگر، فساد عبارت است از عمل یا تصمیمی که موجب شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد (عباس‌زادگان، ۱۳۹۵: ۱۵).

در نظام حقوقی ایران بر خلاف اسناد بین‌المللی که تعریفی از فساد ارائه نمی‌دهند، تعریف و مصادیق غیرحصری آنها را نام برده است. مقنن در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ فساد این‌گونه تعریف می‌کند: «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید. نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی». همچنین برخی از صاحب‌نظران فساد را در گسترده‌ترین تعریف، سوءاستفاده از منصب عمومی در راستای منافع شخصی بیان کرده‌اند این تعریف ساده ادبیات فساد و ضد فساد کم و بیش پذیرفته شده است. اس ون سن^۹ نیز فساد را بازتابی از عملکرد نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور دانسته است (جعفرپور، ۱۳۹۴: ۲۲).

در زمینه فساد مالی نیز تعاریف متعددی مطرح شده است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مفاسد

^۶Rumper

^۷Corruption

^۸Corruptus

^۹Razakerman

^{۱۰}Sven sen

مالی پدیده‌هایی هستند که عملکرد صحیح اقتصادی یک جامعه را دچار خلل می‌کنند و به تعبیر اقتصادی، نشتی اقتصاد در سطح کلان محسوب می‌شوند. فساد مالی (اقتصادی) نقص قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. سطح بالای فساد اقتصادی موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی. فساد اداری نیز دارای تعاریف مختلفی است. مولف ترمینولوژی حقوق، فساد اداری را در قالب مصادیق آن تعریف کرده و مقصود از آن را غالباً ارتشا و اختلاس، کارشکنی و تعلل در امور ارباب رجوع دانسته‌اند. عده‌ای معتقدند؛ فساد اداری در مفهوم کلی خود یعنی زیر پا نهادن ضوابط و استفاده‌ی غیرقانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی است. به عبارت دیگر فساد اداری عبارت است از استفاده‌ی غیر قانونی از اختیارات اداری که می‌تواند دارای انگیزه شخصی یا گروهی با منشا مادی یا غیرمادی باشد (محمدنی، ۱۳۸۰: ۱۰).

تعریف بخش خصوصی

در مورد تعریف بخش غیر دولتی نیز گفته شده است: «قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱) برای اولین بار در ماده ۵ خود، اقدام به تعریف این مؤسسات نمود. بر طبق این ماده، «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون و به منظور انجام وظایف یا خدماتی که جنبه عمومی دارند تشکیل می‌شوند». در تبصره این ماده، تهیه فهرست این مؤسسات و نهادها پیش‌بینی گردید. در هر حال با عنایت به قوانین و مقررات جاری بخش خصوصی مشتمل بر دو بخش تعاونی و خصوصی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۴، بخش تعاونی را به عنوان یکی از پایه‌های مستقل نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده است. تشکیل دهندگان و اداره‌کنندگان شرکت‌های تعاونی اصولاً «اشخاص خصوصی» هستند. از این رو، بخش تعاونی از آن جهت که اعضای آن افراد هستند، بخشی از مالکیت خصوصی محسوب می‌شود؛ بنابراین، بخش تعاونی اعم از تولید، توزیع، مصرف، اعتبار، مسکن و سایر تعاونی‌ها با عنایت به خصوصیات و مشخصاتی که در قانون تصریح گردیده، جزء بخش خصوصی طبقه‌بندی می‌شوند (حسینی عراقی، ۱۳۸۰: ۲۶).

همانطور که بیان شد در قانون اساسی و سایر قوانین جاری تعریفی از بخش خصوصی بعمل نیامده و تنها به ذکر مصادیق بخش خصوصی بسنده شده است. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی «شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است». بدین ترتیب، قانون اساسی اولویت را برای بخش‌های دولتی و تعاونی در نظر گرفته و بخش خصوصی را صرفاً در محدوده بخشی کوچک و به عنوان مکمل سایر بخش‌ها به رسمیت شناخته است.

مستندات داخلی جرم‌انگاری فساد در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران قوانین متعددی را می‌توان نام برد که مصادیقی از جرایم مرتبط با فساد همچون ارتشاء، اختلاس،

پولشویی و ... در آنها جرم‌انگاری و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است. برخی از این قوانین عام بوده و مصادیق فساد به صورت موردی در بین سیاهه جرایم مقرر در آن قانون قرار گرفته و در برخی دیگر نیز به صورت خاص به بحث فساد پرداخته شده و در کنار اقدامات دیگر، به ضمانت‌اجراهای کیفری نیز اشاره شده است. در این مبحث به تفکیک ابتدا با مستندات قانونی فساد بدون در نظر گرفتن اینکه به کدام بخش یعنی بخش عمومی یا خصوصی مربوط باشد آشنا می‌شویم و سپس مستندات قانونی جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

-مستندات قانونی جرم‌انگاری فساد

با توجه به اهمیت حفظ سلامت و روابط و مناسبات اداری و پیشگیری و مقابله با فساد، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون اقدامات متعددی در زمینه جرم‌انگاری مصادیق فساد صورت گرفته است که از جمله می‌توان به اتخاذ تدابیر قانونی مقرر در قوانین و مقرراتی اشاره کرد که برخی از مواد آنها را می‌توان در مبارزه با فساد در بخش خصوصی به کار بست. از مهمترین منابع قانونی در ارتباط با فساد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بند اول: فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری

از مهمترین منابع فراپارلمانی که در مبارزه با فساد در همه بخش‌ها از جمله فساد در بخش خصوصی می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد، فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری است. این فرمان خطاب به روسای سه قوه صادر و مشتمل بر هشت بند ذیل می‌باشد:

۱. با آغاز مبارزه‌ی جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه‌ها و بتدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القائنات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان هم‌صدا شوند. این مخالفت‌ها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.
۲. ممکن است کسانی بخطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

۳. کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد، و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

۴. ضربه‌ی عدالت باید قاطع ولی درعین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله‌ی یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود.

۵. بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را بدرستی شناسایی کنند و محاکم قضائی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند (حسینی‌عراقی، ۱۳۸۰: ۲۸).

بند دوم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اقتصاد که بخش عمده‌ای از فساد مرتبط با همین حوزه یا نشأت گرفته از فعالیت در این حوزه می‌باشد مقرر شده است: «اقتصاد وسیله است نه هدف؛ در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله‌انظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است». با این دیدگاه، مشخص می‌شود که در نظام حقوقی ایران، اصل بر اقتصاد اسلامی است و بدیهی است که برای مبارزه با فساد نیز باید به مبانی اسلامی مراجعه شود. علاوه بر متن یاد شده که در مقدمه قانون اساسی آمده در سایر اصول نیز می‌توان جلوه‌هایی از مبارزه با فساد را نام برد که از مهمترین این اصول می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بند اول اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و ...»

۲. اصل ۴۴: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

۳. اصل ۱۴۱: رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.

- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد

شاید بتوان گفت که مهمترین منبع قانونی که منجر به تشکیل نهادهای متعددی برای مبارزه با فساد در نظام حقوقی ایران گردید، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ هجری شمسی برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی باشد. این قانون، در اجرای اصل (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده، منضم به متن کنوانسیون شامل مقدمه و هفتاد و یک ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم خردادماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

برابر ماده واحده این قانون، به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره زیر به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشتمل بر هفتاد و یک ماده به شرح پیوست ملحق شود و سند الحاق را نزد امین اسناد کنوانسیون (دبیرکل سازمان ملل متحد) تودیع نماید.

این کنوانسیون به صورت خاص به بحث فساد در بخش‌های دولتی و خصوصی پرداخته که در بررسی مستندات بین‌المللی مبارزه با فساد به تفصیل مواد مرتبط با بخش خصوصی آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت (عباس زادگان، ۱۳۹۵: ۱۸).

– قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۹۰/۸/۷) مجمع تشخیص مصلحت نظام

به دنبال پایان یافتن دوره آزمایشی این قانون، با تمدید دوره آزمایشی آن موافقت گردید و آیین‌نامه‌های اجرای آن یکی پس از دیگری تدوین و به تصویب رسیده است که می‌توان به آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱۵ در خصوص ماده ۲۶ و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۵ در خصوص تبصره ۴ ماده ۶ قانون مذکور اشاره کرد. فصل اول این قانون، به تعاریف و اشخاص مشمول قانون پرداخته و فصل دوم آن که اساسی‌ترین فصل این قانون و دارای مواد قانونی فراوانی است، به موضوع پیشگیری اختصاص داده شده است. در فصل اخیرالذکر، تکالیف دستگاه‌ها در امر پیشگیری و مقابله با فساد به صورت مبسوط بیان شده است.

در نظام حقوقی ایران، به‌رغم سابقه دیرینه مقابله و مبارزه با فساد در قالب مصادیق مختلف و به‌ویژه رشوه، استعمال واژه‌ی «فساد» به مفهوم سوءاستفاده از منابع عمومی و دولتی در جهت منافع شخصی، کاملاً جدید بوده و نخستین بار در «برنامه‌ی ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ هیأت وزیران مطرح شد، بدون آن که تعریفی از فساد اداری ارائه شود. سپس «آیین‌نامه‌ی پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی» مصوب ۱۳۸۳/۹/۱ هیأت وزیران، ضمن مواد ۱۴ و ۱۵ از اصطلاح «فساد» استفاده نمود. این آیین‌نامه در ماده‌ی ۱۵ در جهت پیشگیری از فساد و مبارزه با آن، «ستاد ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را پایه‌گذاری نمود. «لایحه‌ی ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اجتماعی مجلس که در جلسه‌ی مورخ ۲/۲۹/۱۳۸۷ مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت شد، در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. تا پیش از این، در ادبیات نظام حقوقی داخلی، واژه‌ی فساد غالباً به مفاهیم ناهنجاری‌های عمومی و اخلاقی استعمال می‌گردد و دارای انسجام مفهومی خاصی نبود.

در قانون ارتقای سلامت نظام اداری به تبعیت از کنوانسیون مجازات‌هایی را برای متخلفین بیان کرده است. در ماده ۱۳، مسئولین دستگاه‌های مشمول این قانون و کارکنان آنها چنانچه از وظیفه مقرر در این قانون تخطی کنند، مشمول

مجازات مقرر در ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی خواهند بود. نکته قابل توجه در این موضوع، آن است که قانونگذار ترک فعل را جرم انگاری کرده است و علاوه بر مدیران و مسئولین سازمانها و موسسات، مجازات کارکنان سازمانها را نیز به این ماده ارجاع داده و کارکنان را نیز مشمول مجازات دانسته است. «توسعه جرم انگاری ترک فعل گزارش دهی جرایم مرتبط با مفاسد اقتصادی به کارکنان دستگاههای اداری، از درک خطر تهدیدات ناشی از فساد نسبت به ثبات و امنیت جامعه، توسط قانونگذار و مصمم شدن دولت بر پیشگیری از فساد حکایت دارد. البته مسئولیت کیفری، ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری دیرینه طولانی دارد، لیکن توسعه آن به حوزه فساد اداری - مالی در راستای افتراقی سازی سیاست جنایی تقنین در زمینه فساد تعبیر می شود». در ماده ۱۴، قانونگذار مجازات سنگینی برای بازرسان و ذی حسابان در نظر گرفته است، مجازاتی برابر با سه سال محرومیت یا انفصال از خدمت در دستگاههای مشمول این قانون و یا جزای نقدی به میزان دو تا ده برابر مبلغ معاملات بزرگ مذکور در قانون برگزاری مناقصات و نیز لغو عضویت در انجمنها، مؤسسات و اتحادیههای صنفی و حرفه‌ای و یا هر دو مجازات (ابراهیمی ۱۳۹۴: ۲۴)

علاوه بر قوانین فوق در نظام حقوقی ایران شاهد قوانین دیگری نیز در ارتباط با مبارزه با فساد در بخش دولتی هستیم که در ادامه به اختصار به برخی از مهمترین این قوانین اشاره‌ای می‌شود:

۱. قانون مبارزه با پولشویی: با توجه به اثرات زیان بار فساد اقتصادی و اجتماعی پدیده پولشویی در تاریخ ۲۷/۶/۱۳۸۱ هیأت وزیران لایحه پولشویی را تصویب و برای طی مراحل قانونی به مجلس شورای اسلامی فرستاد. قانون مبارزه با پولشویی در جلسه علنی ۲/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۷/۱۱/۸۶ به تایید شورای نگهبان رسید.

۲. قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها مصوب ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ مقرر داشته که هیچ نخست وزیر، وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هرکس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا این که قراردادی امضاء نمایند. در ماده ۲ قانون مذکور مذاکرات مذکور منوط به استحضار و اطلاع مجلس شورای ملی گردیده‌اند. و در ماده ۳ حبس از ۲ تا ۸ سال و انفصال دائم از خدمت دولتی به عنوان مجازات متخلف مقرر گردیده است.

۳. قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲/۱۰/۱۳۳۷: در قانون مذکور که یکی از قوانین جزایی بسیار مهم در کشورمان است، قانون‌گذار مسئولین رده اول نظام اعم از نخست وزیر، وزیر، نمایندگان مجلس، سفرا، استانداران و تمامی کارکنان

کشوری و لشکری و برخی از اشخاص حقوقی وابسته به دولت و حتی برخی از اقارب نسبی و سببی کارکنان دولت را از مداخله در معاملات دولتی و کشوری که فهرست آن در تبصره ۳ ماده اول قانون مذکور آمده است، ممنوع نموده و برای افراد متخلف مجازات حبس ۲ تا ۴ سال را پیش بینی نموده است.

- مستندات بین‌المللی جرم‌انگاری فساد

فساد به عنوان یکی از معضلات جهانی بوده و به همین دلیل در بسیاری از اسناد بین‌المللی همراه با سایر موارد مورد توجه قرار گرفته و در برخی اسناد نیز صرفاً با تمرکز بر فساد در بخش‌های مختلف اقدام به تصویب قوانین بین‌المللی شده است. بسیاری از توافقات بین‌المللی ضد فساد بر تعهد دولت‌ها برای ایجاد تمهیداتی در جهت رفتار بخش خصوصی هم تأکید کرده‌اند، مانند ضوابط کنترل حساب‌های شرکت برای جلوگیری از پنهان کردن مبالغی که به طور غیرقانونی وارد این حساب‌ها می‌شود. رشوه، گلاهداری شرکتی و موارد معافیت‌های مالیاتی رشوه خواری نیز از مصادیق مورد تأکید می‌باشند. اگر چه فساد در بخش خصوصی، همواره بخشی از تجارت به شمار آورده شده است؛ اما بخش خصوصی بسیار زودتر از بخش دولتی موفق به درک خطرهای فساد شده است؛ زیرا فساد رقابت عادلانه و قواعد اقتصاد بازار آزاد را از بین می‌برد، تأثیری منفی بر کیفیت محصولات و خدمات دارد، احتمال سرمایه‌گذاری اقتصادی را ضعیف می‌کند و اصول اخلاقی تجارت را متزلزل می‌سازد (نواده توپچی، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

در یک تقسیم‌بندی کلی، مستندات بین‌المللی در جهت مبارزه با فساد به دو بخش اسناد بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند که در ادامه اسناد مرتبط با هر بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند و مواد مرتبط با جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی احصاء و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰، پدیده فساد، توجه زیادی را از سوی جامعه بین‌المللی به خود جلب نموده است. در واقع، عمق توجه به مبارزه علیه فساد، بی‌سابقه بوده است، به طوری که تلاش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی، راه را برای مذاکره و تصویب پنج سند بین‌المللی مبارزه با فساد^{۱۲} طی یک دوره زمانی هفت تا هشت ساله (۲۰۰۳-۱۹۹۶)، هموار ساخته‌اند. این امر بر نگرانی جدی که خطر فساد جامعه جهانی را تهدید می‌کند صحنه می‌گذارد. تمرکز اصلی این معاهدات ایجاد عزم جهانی مبارزه با فساد به ویژه از راه نظارت داخلی و خارجی بر عملکرد کشورها و با هماهنگ‌سازی قواعد بین‌المللی مبارزه با فساد است. از این گذشته، همه نهادهای مالی عمده بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی، حکومت سالم را به عنوان معیاری

^{۱۲} کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل ۲۰۰۳؛ کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با فساد و تخلفات مربوطه اتحادیه آفریقایی، ۲۰۰۲؛ کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با فساد درون آمریکایی سازمان کشورهای آمریکایی ۱۹۹۶؛ کنوانسیون مبارزه با رشوه خواری مقامات دولتی خارجی در قراردادهای تجاری بین‌المللی (OECD) ۱۹۹۷؛ و کنوانسیون مرتبط با جرایم سازمان یافته فرا ملی سازمان ملل، ۲۰۰۰.

برای اعطای اعتبار و تسهیلات دیگر به دولت‌ها، قراردادها، افزون بر این، سازمان‌های جامعه مدنی نظیر شفافیت بین‌الملل که به مبارزه علیه فساد و افزایش آگاهی عمومی در این زمینه اختصاص دارند، در کنار کارهای دیگر، هر ساله اقدام به انتشار «شاخص ادراک فساد»^{۱۳} و «شاخص رشوه پردازان»^{۱۴} می‌نماید که بر اساس ادراک فساد و پیمایش از محافل و نهادهای اقتصادی داخلی و خارجی میزان فساد کشورهای جهان را طبقه‌بندی می‌نماید.

یک دلیل علاقه روزافزون غرب صنعتی به ارتقای فعالیتهای ضد فساد در کشورهای در حال توسعه، آزادسازی تجاری در دهه ۱۹۹۰ و باز شدن بازارهای کشورهای در حال توسعه بوده است. البته با برقراری نظام جدید اقتصادی ناشی از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی هرچند کشورهای توسعه یافته، دسترسی بیشتری به بازارهای داخلی کشورهای در حال توسعه پیدا کرده‌اند اما این ادعا تکرار می‌شود که سطح بالای فساد و تعرفه‌های سنگین و مقررات گمرکی کشورهای در حال توسعه، جریان آزاد تجارت را به بیراهه برده است به نحوی که به ادعای غرب صنعتی از یک سو در کشورهای در حال توسعه، فساد به شکلی غیرمستقیم به صورت حمایت از محصولات داخلی ظاهر شده است و از سوی دیگر زمانی که «رشوه دهی به مقامات دولتی خارجی» در اکثر کشورهای صنعتی غیرقانونی شده، تنها راه باقیمانده، تلاش برای رشد، انگیزه مصرف‌گرایی و نوظللی در مصرف و «شفافیت» درون سیستم ادارات دولتی کشورهای در حال توسعه خواهد بود، تا آنکه شرکتهای چند ملیتی خارجی در موضع ضعف نسبت به شرکتهای داخلی قرار نگیرند.

رابطه بین فساد در بخش خصوصی و امنیت حقوقی

با عنایت به قوانین و مقررات جاری که برخی از مهمترین آنها نیز مورد مطالعه قرار گرفت می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران قانون خاصی که تنها به فساد در بخش خصوصی و جرم‌انگاری مصادیقی از رفتارهای مجرمانه در بخش خصوصی اختصاص یافته باشد یافت نشد. لذا تنها با رجوع به قوانین عام جزایی و برخی از قوانین خاصی که به صورت کلی فساد را جرم‌انگاری کرده می‌توان مستنداتی را در این خصوص پیدا کرد. در این بین قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ اصلی‌ترین منبع قانونی محسوب می‌شود. مقنن در این قانون با توجه به الزامات ناشی از پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد ضمن ارایه‌ی تعریف مصادیقی از فساد که هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی وجود دارند بیان کرده است. ماهیت پویای فساد و صور مختلف آن به قانونگذار اجازه نداده که بتواند فساد را به‌عنوان یک جرم که عناصر مادی و قانونی و مجازات معینی دارد تعریف نماید ضعف این تعریف در همین جا روشن است؛ مصادیق آن هم در این قانون حصری نیستند و از سایر قوانین جزایی برگرفته شده‌اند با رجوع به قوانین جزایی متوجه می‌شویم که در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران تعدادی

^{۱۳}Corruption Perception Index" CPI

^{۱۴}Bribe Payers Index" BPI

از مصادیق مجرمانه‌ی کنوانسیون مبارزه با فساد از قبیل رشاء، ارتشاء و اختلاس در بخش خصوصی را جرم‌انگاری نکرده است.

از سوی دیگر امنیت حقوقی، مقوله‌ای بسیار مهم در یک نظام حقوقی است. هرچند مسئله «امنیت حقوقی» مفروض یک نظام حقوقی است که دارای جامعه منحصربه‌فرد خویش است، با این حال، تا حد زیادی چالش‌ها و نقدها به وجود «امنیت حقوقی» در حقوق بین‌الملل شایان توجه است، ولی این مسئله مانع از این نیست که «امنیت حقوقی» در بعد قاعده‌ای و بعد ساختاری در این نظام مفقود باشد.

اصل دخالت دولت و لزوم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آن در عرصه اقتصاد و فرهنگ و سیاست و سایر عرصه‌ها بدیهی به نظر می‌رسد، اما چنانچه این مداخله با رعایت موازین و قواعد حقوقی و با اعمال دقت و ظرافت ویژه صورت نپذیرد، آثار منفی جبران‌ناپذیری در کشور خواهد داشت. یکی از اصول اجرایی در این‌گونه مداخلات، تأمین اصل امنیت حقوقی فعالان حوزه‌های مختلف اقتصادی و سرمایه‌گذاران و اجتماعی و سیاسی و ... است. این اصل که یکی از اصول بنیادین حقوق اداری و اقتصادی است، مبین پیش‌بینی‌پذیر بودن و قابل اتکا بودن تصمیمات اداری است؛ به گونه‌ای که شهروندان قادر باشند با اطمینان خاطر به نهادهای دولتی اتکا کرده و برای زندگی خویش برنامه‌ریزی کنند. این مهم در صورت تحقق می‌تواند به اعتماد همه اقشار جامعه به دولت شود. ارکان اصل امنیت حقوقی، انتظار مشروع، عطف به‌ما سبق نشدن تصمیمات اداری، رعایت مهلت معقول و انتشار و شفافیت مقررات دولتی است. در نظام حقوقی ایران برخی از این شاخصه‌ها از سوی مقنن یا مراجع قضایی به رسمیت شناخته می‌شوند، اما عملاً در بسیاری از موارد این اصل و ارکان آن مهجور و مغفول‌اند. از جمله موارد مغفول مانده همین بحث فساد در بخش خصوصی است. همانگونه که عنوان شد در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران تعدادی از مصادیق مجرمانه‌ی کنوانسیون مبارزه با فساد از قبیل رشاء، ارتشاء و اختلاس در بخش خصوصی جرم‌انگاری نشده است و این عدم جرم‌انگاری به طور قطع امنیت حقوقی شهروندان و کشور را با مخاطره مواجه می‌کند و میتواند بر امنیت حقوقی تاثیرگذار باشد. بنابراین توسعه جرایم مرتبط با فساد از بخش دولتی و نظام حقوق دولتی کشور باید به بخش خصوصی نیز منتقل گردد تا امنیت حقوقی شهروندان و کشور بیشتر از پیش تأمین و آن را با مخاطره مواجهه نکند.

-پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده مرتبط با عنوان تحقیق پژوهش‌های زیر در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته است: جلالی و قاسمی در سال ۱۳۹۴ تحقیقی را با عنوان « قلمرو انطباق رویکرد قانونگذار ایران با مقررات متحدالشکل مقابله با فساد در کنوانسیون مریدا» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده تحت تاثیر پدیده جهانی شدن و آثار و پیامدهای آن، فرصت‌های تازه‌ای برای بزهداران پدید آمده و اشکال نوینی از بزهدکاری ظهور و توسعه یافته است که برای صلح، امنیت، ثبات و توسعه پایدار جامعه بشری و حاکمیت قانون، تهدید به شمار می‌آید. همچنین روند رو به افزایش تعاملات منطقه‌ای میان دولت‌ها و شرکت‌ها و سایر موسسات باعث شده آثار رفتارهای مجرمانه ارتكابی، به خصوص در جرایم سازمان یافته و اقتصادی، محدود به کشور «محل وقوع جرم» نباشد، بلکه آثار مخرب آن به سایر کشورها نیز تسری یابد. از این رهگذر جامعه جهانی احساس ناامنی کرده است و بدین جهت واکنش موسسات و جامعه بین‌المللی نسبت به این امر رو به افزایش است.

جرایم ملی، ماهیتی بین‌المللی به خود می‌گیرد و به مرور به جرایم بین‌المللی تبدیل و مبارزه با آن صرفاً با همکاری بین‌المللی میسر می‌شود. به همین منظور و با توجه به احساس مشترک و نگرانی‌های جامعه جهانی، موضوع مقابله با فساد در سازمان ملل متحد، مسئولیتی بین‌المللی تلقی و به طور رسمی و صریح از سال ۱۹۷۵ با تصویب قطعنامه‌ای در مجمع عمومی آغاز شد. موضوع تصویب کنوانسیون مستقل برای مبارزه علیه فساد در قطعنامه شماره ۵۵/۶۱ مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ مجمع مطرح شد که نتیجه آن تشکیل «کمیته کارشناسی» در دبیرخانه دفتر پیشگیری از جرم و کنترل مواد مخدر در سازمان بود که در نهایت به تصویب کنوانسیون مبارزه علیه فساد در قطعنامه ۵۸/۴ مجمع در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ و در تکمیل کنوانسیون آن سازمان در مورد مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ منجر شد. تصویب نهایی کنوانسیون در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای اصل ۱۱۲ قانون اساسی ج.ا.ا. انجام پذیرفت. این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون، تعارض اساسی بین اصول نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد وجود ندارد و ایران موظف به تطبیق بیشتر حقوق داخلی با اهداف کنوانسیون در حوزه پیشگیری، جرم‌انگاری، مبادله اطلاعات، تعقیب و مجازات و مبارزه ضد فساد از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بخش‌های خصوصی و دولتی است.

همچنین در سال ۱۳۹۲ ابراهیمی و صادق نژاد تحقیقی را با عنوان «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی مرتبط با فساد در بخش خصوصی» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده‌اند که امروزه به جرم اقتصادی مشهور شده است، متضمن لطمه شدید به نظام اقتصادی هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی یعنی چرخه تولید توزیع، حمل و نقل، مصرف و پول است. لذا سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز در دهه اخیر در این خصوص، سیاست‌های جنایی افتراقی با گرایش سختگیرانه پیش‌بینی کرده‌اند. از آنجاییکه مصادیقی از این جرایم مانند پولشویی و جرایم زیست محیطی جنبه جهانی پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی کشورهای مختلف در پرتو معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون مریدا، به سمت نوعی همگرایی در پیشگیری و مبارزه با این گونه بزهکاری گام بر می‌دارند. این رویکرد، چه در بعد جرم‌شناختی و چه در بعد کیفری، از چند سال پیش به این سو، در گفتمان مسئولان قضایی، اجرایی و تقنینی کشور، به ویژه در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به دلیل تمرکز بر پیشگیری و وضعی - فنی، قانون مجازات اسلامی، به دلیل خارج ساختن این جرایم از شمول تعویق، تعلیق و مرور زمان و نیز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشهود است.

ارضی فر و رضایی (۱۳۹۹) تحقیقی را با عنوان «بررسی تاثیر جرایم مرتبط با فساد اقتصادی بر توسعه اقتصادی و امنیت کشور» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده‌اند که فساد یکی از واژه‌های جاری و پرکاربرد در ادبیات سیاسی و اقتصادی است. شاید این واژه برای نخستین بار توسط ارسطو و بعدها سیسرون به کار رفت. فساد را به معنی استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می‌کنند. مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی و به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و ناشی از محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری، و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. به طور کلی فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی، و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در هر کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد، و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را تنزل می‌دهد. اساسی‌ترین

سیاست های مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات اقتصادی شامل ایجاد نهادهایی بدین منظور، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه دولت در اقتصاد، حساسی مالی دقیق، استقلال رسانه های ارتباط جمعی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ جامعه است که می تواند در اقتصاد کشور پویایی ایجاد نماید و در نهایت باعث رشد و شکوفایی در اقتصاد ملی شود. سازمان های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده میشود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند.

۲. روش شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه ای به عنوان روش گردآوری اطلاعات استفاده خواهد شد. همچنین با توجه به روش تحقیق، اطلاعات مورد نیاز تحقیق با مراجعه به منابع و مآخذ علمی شامل کتب، مجله ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه ها، اسناد و نشریات حقوقی همچنین پایگاه های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر و پایان نامه ها گردآوری می شود. برای جمع آوری اطلاعات از ابزار فیش و تکنیک فیش برداری استفاده خواهد شد. در مرحله فیش برداری از تکنیک مآخذ گذاری به روش علمی و مستند سازی استفاده می شود. با توجه به نوع تحقیق و روش آن، جمع آوری اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق بوسیله اسناد و مدارک دست اول با فیش برداری و بهره گیری از درگاه های اینترنتی معتبر است. همچنین با توجه به اینکه نوع روش تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی بوده، محقق علاوه بر تصویر سازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل موجود پرداخته و از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری و پیشینه تحقیق و و دسته بندی و مقوله بندی اطلاعات و با توجه به اطلاعات گردآوری شده به تجزیه و تحلیل داده ها و نتیجه گیری از آنها پرداخته است.

۳. تجزیه و تحلیل یافته ها

اصل امنیت حقوقی به گونه ای گسترده در علم حقوق و نیز بحث های سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. برعکس، شناخت نسبت بدان در متون قانونی و رویه قضایی بسیار محدود است. و عوامل تاثیرگذار بر آن نیز کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. باید توجه داشت که اصل امنیت حقوقی جایگاهی برجسته در نظام های حقوقی دارا بوده و رکن اساسی دولت حقوقی می باشد. به عبارت دیگر، یکی از الزام های دولتی که در چارچوب حقوق محصور باشد (دولت حقوقی)، وجود امنیت حقوقی برای همه است. در نتیجه، مانند دیگر عناصر متشکله دولت حقوقی، این اصل نیز در قوانین اساسی تضمین شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معدود قوانین اساسی می باشد که اصل امنیت حقوقی به صراحت در آن تضمین شده است. بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می داند. در گستره امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی

گسترده تضمین نموده است. این اصل حوزه های گوناگونی زمینه‌ی برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را در برمی‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یکدیگر از سوی قوه موسس تضمین شده‌اند. یکی از عواملی که میتواند بر آن تاثیرگذار باشد وجود فساد در کشور از جمله در بخش خصوصی بوده و اگر قوانین مرتبط با آن مدقن و کامل نباشد میتواند امنیت حقوقی را به خطر بیندازد و نظام قضایی نتواند امنیت حقوقی کشور را تأمین کند.

همچنین بر خلاف اسناد بین‌المللی و قوانین برخی از کشورهای پیش‌رو، جرم‌انگاری‌های پیرامون فساد در قوانین داخلی، بیشتر به بخش دولتی مربوط بوده و با پیش‌بینی شرایطی نظیر «مامور دولت بودن» امکان توسعه آنها به بخش خصوصی وجود ندارد. همین خلاء قانونی موجب شده تا کنترل و مبارزه با فساد در بخش خصوصی با شکست مواجه شده و عده‌ای با علم و آگاهی از این خلاء مرتکب فساد در سطح گسترده‌ای گردند.

در خصوص مسئله بررسی نحوه توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی می‌توان گفت در بررسی و تطبیق مفاد اسناد بین‌المللی و قوانین برخی از کشورها با قوانین کیفری داخلی، مشخص شد که اغلب جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی که در اسناد بین‌المللی یا قوانین دیگر کشورها به آنها تصریح شده در قوانین جزایی ایران پیش‌بینی نشده‌اند و یا قسمتی از آن مشمول جرم‌انگاری قرار گرفته است، که در هر صورت برای مبارزه مؤثر با پدیده فساد در تمام اشکال آن لازم است که در سیاست جنایی ایران این تحولات صورت گیرد و جرم‌انگاری‌های جدید نه تنها مغایرتی با قانون اساسی و مبانی فقهی ندارد، بلکه قوانین کیفری ایران را در رابطه با جرائم فساد به ویژه در بخش خصوصی را تکمیل خواهد کرد.

۴. نتیجه‌گیری

منظور از توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی، پیش‌بینی اقدامات پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری باشد. و با توجه به واگذاری بیشتر صنایع و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و افزایش نقش آنها در اقتصاد کشور و همچنین تسری جرم‌انگاری به فساد در بخش خصوصی در اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای پیش‌رو، ضروری باشد که اقدامات تقنینی کیفری در ایران نیز در حوزه توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی مورد توجه قرار بگیرد. همچنین عدم توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی می‌تواند منجر به سوءاستفاده اشخاص شاغل در بخش‌های خصوصی، بی‌اعتمادی به حاکمیت، زیر سوال رفتن مشروعیت نظام، اختلال در نظام اقتصادی و ... شود.

بر اساس بررسی‌های انجام شده از قوانین کیفری و مدنی در ایران جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی یکی از مهمترین مسائل مغفول مانده در نظام حقوقی کشور می‌باشد که بشدت میتواند امنیت حقوقی کشور را با مخاطره روبه رو سازد. بر این اساس میتوان گفت که نبود قوانین و مقررات مرتبط با فساد در بخش خصوصی بویژه در برخی از جرایم مهم و اساسی مانند رشوه، ارتشاء و اختلاس و عدم جرم‌انگاری آن بر کاهش امنیت حقوقی کشور تاثیرگذار است و لازمه این مسئله توسعه

قوانین و مقررات کلیه جرایم در بخش عمومی و دولتی به بخش خصوصی است تا امنیت پایدار حقوقی در کشور فراهم گردد

پیشنهاد

۱. نتایج تحقیق در اختیار سایر پژوهشگران در این حوزه به منظور استفاده به عنوان پیشینه تحقیقاتی و گسترش مبانی مرتبط با فساد در بخش خصوصی در منابع علمی قرار گیرد.
۲. نتایج تحقیق به منظور کاربردی شدن و هرگونه بهره برداری به دستگاههای قضایی و نهادهای دانشگاهی در کشور ارسال گردد.

فهرست منابع و مآخذ

- ابراهیمی، شهرام، صادق نژاد، مجید (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی مرتبط با فساد در بخش خصوصی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۴۷-۱۷۴
- ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۴). چشم اندازهای نظری فساد. تهران، چاپ اول، انتشارات آگاه.
- ارضی فر، محمد، رضایی، علی (۱۳۹۹). بررسی تاثیر جرایم مرتبط با فساد اقتصادی بر توسعه اقتصادی و امنیت کشور، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار، تهران.
- تانزی، علی، (۱۳۸۷). زنده باد فساد(جامعه شناسی سیاسی فساد در دولت های جهان سوم). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران.
- حسینی عراقی، حسین. (۱۳۸۰)، حکمرانی خوب به مثابه الگویی برای مبارزه با فساد و ارتقا سلامت اداری در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی به راهنمایی دکتر احمد رشیدی دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه مازندران.
- جعفرپور، رضا، (۱۳۹۴). درآمدی بر نظریه های مدیریت دولتی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت
- جلالی، محمود، قاسمی، وحید(۱۳۹۴). قلمرو انطباق رویکرد قانونگذار ایران با مقررات متحدالشکل مقابله با فساد در کنوانسیون مریدا، مطالعات حقوق عمومی پاییز ۱۳۹۴، دوره چهل و پنجم، شماره ۳، ص ۳۸۱-۴۰۴.
- عباس زادگان، فرهاد(۱۳۹۵). رهبردهای قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با فساد، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۸، شماره ۳۰.
- عطریان، محمد علی(۱۳۹۶). عوامل موثر بر امنیت حقوقی به جرایم مرتبط با فساد مالی، نشر آراد، چاپ اول، تهران
- محمدی، محمد علی(۱۳۹۰). « مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش. ۲۵۲-۲۵۱.
- محمد نبی، علی (۱۳۸۰). فساد در دستگاه های اداری، مبانی و رویکردها، انتشارات زعیم، تهران

-نواده توپچی، حامد، (۱۳۸۶). عوامل موثر بر سلامت اداری (مورد مطالعه بانک رفاه کارگران تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت منابع انسانی، به راهنمایی دکتر میرعلی سید نقوی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.

-ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی، فصلنامه راهبرد، ش. ۵۸.

-Heode. G(2002)Corporate integrity: rethinking, rganizational ethics and Leadersh , Cambridge university press.

- Fromont, Michel(2018). Le principe de sécurité juridique , Actualité Juridique de Droit Administratif, n° spécial, 20 juin 2018, p.175.

- Mathieu, Bertrand,(2017). Constitution et sécurité juridique, France, Annuaire Internationale de la Justice Constitutionnelle, n° 6, p.153.

-Razakerman, f (2002). The right to good administration in the light of Article 41 of the charter of fundamental rights of the european union, Contemporary Legal and Economic Issues. Vol. 3.

چیکده انگلیسی

The impact of expanding the territory of crimes related to corruption to the private sector on legal security

Abstract:

Crimes related to corruption have always been discussed and investigated in judicial and legal institutions, and there is no coherent criminal policy to fight corruption in the public and private sectors in domestic laws, nor has it been able to criminalize related crimes in the fight against corruption in the private sector. take action and this issue endangers the legal security of the country. Based on this, this research has been carried out with the aim of investigating the expansion of the territory of crimes related to corruption to the private sector with a comparative approach and its impact on legal security).

This research has been carried out in a descriptive-analytical way and the required information has been collected using the library method and the use of first-hand and reliable sources and has been analyzed by categorizing the information.

As a result of the research, it can be said that the development of the scope of crimes related to corruption in the private sector means the prediction of

criminal and non-criminal preventive measures. mistrust of the government, questioning the legitimacy of the system, disrupting the economic system, etc.

Keywords: legal security, corruption, private sector

در دست انتشار و غیر قابل انتشار